

سازمان CIA

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین؛
گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان.

بخش (۱۵)

کبیر توخی

تاریخ نگارش (۱۴ جنوزی ۲۰۰۹)

تاریخ ارسال آن به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (۱۱ مارچ ۲۰۱۲)

گوشه ای از عملکرد های CIA در افغانستان

- ۱- تأملی گذرا؛ بر سیاست امپریالیزم امریکا در قبال افغانستان .
- ۲- امپریالیزم امریکا برای تسخیر افغانستان به کدام شیوه ها متصل شد .
- ۳- بعضی ابعاد مهم کار کرد های سازمان سیا که منجر به کمترین عکس العمل مردم در برابر تجاوز آشکار امریکا به افغانستان گردید.
- ۴- سازمان سیا با کدام نهاد ها در افغانستان اعمال نفوذ می کرد.
- ۵- فعالیت سیا در قالب انجو ها در افغانستان.
- ۶- زندان های افغانستان و زندان های اعمار شده توسط امریکا ، تماماً تحت نظر مستقیم سیا اداره می شوند.
 - A- زندان های رسمی
 - B- زندان های خصوصی
- ۷- مروری بر ارتش های خصوصی [Private Military Companies (PMC)
- ۸- ازخاد KGB تا "راما"ی CIA در افغانستان
 - A- نگاهی اجمالی به خاد KGB و اسلافش
 - B- ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان

چه بهتر که به نوشته یکی از خبرنگاران نشریه معروف **واشنگتن پست** (**سوزان کلاسز**) که توسط نشریه " پیام زن " فشرده شده و درج شماره ۵۵ و ۵۶ مؤرخ اسد ۱۳۸۱ آن نشریه می باشد در زیر توجه نمائیم :

» "پیام زن" شماره ۵۵ و ۵۶ اسد ۱۳۸۱ احیای رقابت در افغانستان
گزارشی خلاصه شده در باره کشمکش بین آقای کرزی و گلهای بر روی خوانندگان " مارشال "
فهییم از سوزان گلاسز " واشنگتن پست "، **۲۴ جولای ۲۰۰۲**

کابل، افغانستان، ۲۳ جولای - در اواسط سالهای ۱۹۹۰ کابل میدان جنگ گروههای نظامی اسلامی بود و راکت‌ها شهر را منفجر می‌ساخت. دولت در حال تلاشی بود. در وضعی چنین آشوب زده، حامدکرزی معاون وزارت خارجه توسط استخبارات سری مخوف (خاد) کشور برای تحقیق دستگیر شد. اجنت‌هایی که او را گرفتند برای محمدهییم کار می‌کردند. به درستی روشن نیست که استخبارات فهییم وفادار به ربانی چرا کرزی را دستگیر نمود هر چند تمامی کسانی که با آنان مصاحبه صورت گرفت گفتند که حادثه به تماس‌های کرزی با حکمتیار ارتباط داشت. بنابر گفته منابع به هر حال دلیل آن هر چه باشد، تحقیق ناگهان پایان یافت زیرا تعمیری که کرزی در آن استنطاق می‌شد تحت حمله راکت قرار گرفت و این به او فرصت فرار از آنجا را داد. کرزی خون‌آلوده فوری خود را به خانه پسرکاکایش عبدالخالق پوپلزی رسانیده و گفت که بلافاصله باید کابل را ترک کند. پوپلزی در مصاحبه‌ای اظهار داشت: «او به خانه من آمد و گفت که باید برویم و حتی اجازه نماز خواندن را به من نداد. کرزی و پوپلزی همان روز به طرف پاکستان حرکت کرده و خود را به پشاور رسانیدند.

حدود ده سال بعد، کرزی که فعلاً رئیس جمهور افغانستان است و فهییم وزیر دفاع او، درگیر رقابتی فزاینده اند که دولت لرزان افغانستان را به بی‌ثباتی بیشتر تهدید می‌کند. کرزی و متحدانش استخبارات را که مجدداً توسط فهییم کنترل می‌شود، دستگاهی وسیع، فاسد و شدیداً پولیسی می‌دانند که ماورای اقتدار رئیس جمهور کار می‌کند. طبق گفته منبعی نزدیک به کرزی، استخبارات ۳۰۰۰۰ (سی‌هزار) کارمند دارد و شعبه‌های آن توسط تاجیک‌های «ائتلاف شمال» گردانیده می‌شوند که فقط به فهییم پاسخگو اند. کرزی مصمم است که بر اداره مذکور کنترل داشته باشد. او در این ماه کمسیون را مؤظف ساخت تا اصلاحاتی را در آن پیشنهاد و به اتهاماتی رسیدگی کند که استخبارات عبدالمطلب جوانی ۲۲ ساله کارگر ساختمانی را که پس از سال‌ها مهاجرت از پاکستان بر گشته بود، زیر شکنجه کشته است.

برای رئیس جمهور پشتون تبار و طرفدارانش، قدرت نامحدود استخبارات زیر کنترل تاجیک ها مانع اساسی در راه دموکراسی افغانستان خواهد بود. هدایت امین‌ارسلان معاون رئیس جمهور که ریاست کمسیون مذکور را به عهده دارد گفت: « برای کشوری دموکراتیک،

کشوری که می‌خواهد به سوی دموکراسی قدم بردارد وجود یک چنین اداره ای واضحاً منافات دارد.»

پس از تجاوز شوروی در ۱۹۷۹، کی‌جی‌بی، استخبارات افغانستان را به صورت چیزی شبیه خود به وجود آورد با مخفف «خاد» که شبکه‌ای گسترده از مخبرین داشت و شهرتش در شکنجه و کشتار، آن را به اندازه‌ی دستگاه‌های همتایش در بلوک شرق بدنام ساخته بود.

با آن که نام این اداره از ایجاد تاکنون توسط رژیم‌های مختلف تغییر خورده است اما شیوه‌های کار آن به حال خود باقی‌اند. یکی از مخبران سابق آشنا به کار آن گفت: « این استخبارات از کی‌جی‌بی به هیچوجه فرق ندارد و از عین شیوه‌ها استفاده می‌کند.» عامل سابق اظهار داشت که اکثر کارمندان آن مدت‌ها پس از سقوط نجیب در ۱۹۹۲ کماکان بر حال بوده و تنها رؤسای آن تبدیل شده‌اند.

نعمت‌اله شهرانی معاون رئیس جمهور و عضو دیگر کمیسیون بررسی اداره‌ی استخبارات گفت: « ما در استخبارات اصلاحاتی خواهیم آورد تا دیگر مردم از آن نترسند و تصور نکنند که اداره‌ی استخبارات به آنان آزار و اذیت می‌رساند.» بسیاری از افراد حکومت کرزی تردید دارند که کمیسیون بتواند موجب تغییرات زیادی در آن شود. جنرال انور کوهستانی مقام بلند پایه‌ی شعبه‌ی امنیت مربوط وزارت داخله گفت: « دستگاه استخبارات کاملاً توسط یک گروه کنترل می‌شود، آنان دستگاه را توسعه داده و اعضای وفادار به خود را استخدام کرده‌اند. اداره‌ی استخبارات اداره‌ی ایست برای حفظ قدرت آنان.»

پس از سقوط طالبان، کرزی و فهیم در چندین مناسبت در انظار با هم ظاهر شده‌اند تا نشان دهند که می‌توانند همکار باشند. اما کرزی آشکارا نگران امنیتش بوده و این هفته ضمن عزل واحد امنیتی افغانی‌اش، از امریکا خواست تا برایش بادیگارد هائی فراهم سازد. محافظان افغانی او به فهیم وفادار بودند.

در ماه جون کرزی پس از لویه جرگه که او را به ریاست جمهوری برگزید علناً تعهد سپرد که قدرت استخبارات را کاهش دهد. چهره‌ی لویه جرگه با اتهامات مبنی بر آزار و تهدید نمایندگانی که جسارت به خرج داده و از خط تعیین شده عدول جسته بودند از سوی پولیس مخفی، مخدوش شد. طبق اظهارات اعضای لویه جرگه ده‌ها اجنت در چهار طرف محل لویه جرگه گشت می‌زدند و سخنرانی‌ها و صحبت‌های خصوصی را تحت مراقبت داشتند. بعضی نمایندگان غیر محافظه‌کار متذکر شدند که پس از سخنرانی تهدید به مرگ شده‌اند. به شمول سیماسمر که به آشنایانش ابراز نمود که هدف جاسوسان استخبارات واقع شده است.

مقامی ارشد در حکومت کرزی که از ترس نخواست نامش برده شود گفت: « استخبارات واقعاً مسأله است. استخبارات همه متعلق به یک گروه قومی یا یک گروه سیاسی بوده که هر چه بخواهند می کنند بدون آن که مورد بازخواست کسی واقع شوند.»

همه کسانی که با آنان مصاحبه به عمل آمد متفق القول اند که استخبارات به ریاست محمدعارف (سابق رئیس استخبارات احمدشاه مسعود) اساساً تحت کنترل فهیم جانشین مسعود قرار دارد. اجنت سابق افزود که در حال حاضر استخبارات دارای ۲۳ ریاست است که تمام آن ها توسط پنجشیری ها اداره می شوند.

عده ای از طرفداران کرزی مصر اند که او آنانی را که مسؤول توقیف کردنش بودند بخشوده و معتقد است که حادثه یک اشتباه بوده است. یک مقام مهم دولتی ابراز نمود که تلاش کرزی جهت اصلاح استخبارات «مسأله ای شخصی نه بلکه کاری ضروری است که باید انجام گیرد.»
"واشنگتن پست" ۲۴ جولای ۲۰۰۲ «

این قلم همانطوری که سالهای قبل در نگاشته هایش تذکر داده حالاهم اضافه می نماید که روسها مدتها پیش از پروژه مصالحه ملی ؛ حتا زمانی که اعضای خاد را زیر عنوان شورای نظار در هسته بالائی جمعیت ربانی جابه جا کرده بودند به انتقال نیرو های خاد بر مبنای اعضای خاد وابسته به هر ملیت در باند های اسلامی متشکل از همان ملیت و قوم آغاز کردند . یا به بیان دیگر بخش های متشکل از اقوام و ملیت های مشخص کشور در خاد ؛ به داره (دهاره) های اسلامی که بیشترین افراد از همان ملیت و همان اقوام را در ترکیب شان داشتند (طبق پلان روسها) انتقال داده شدند؛ مثل انتقال پشتون های خاد به باند حکمتیار، سیاف وسایر باند های اسلامی پشتو زبان؛ انتقال خادی های منسوب به ملیت هزاره از کانال های کشتمند و برادران ... به باند حزب وحدت و سایر باند های شیعه مذهب، و خادی های ازبک زبان افغانستان همراه با ازبک های فرستاده شده از ازبکستان شوروی - که زیر پوشش ازبک های افغان در خاد و در زندان های دولت دست نشانده و سایر نهاد های وابسته به آن فعالیت می نمودند - در زیر نظارت عبدالحکیم شرعی بعدا در زیر دامن خونین قصاب مشهور دوستم و شرکای پرچمی و غیر پرچمی اش ، موضع گرفتند ؛ اما بدنه اصلی خاد که کمترین پشتو زبان را در ترکیب خود داشت را به "شورای نظار" به رهبری " قهرمان مسعود" ، که خود از زمره اعضای استخبارات نظامی شوروی بود ، تحویل داده شد ، که بعد از قتل وی فهیم وارث آن گردید (باید تذکار داد که امپریالیزم روس در جابه جایی نیرو هایش به داخل تشکیلات فوق بر مبنای وجوه مشترک اتنیکی، زبانی و منطقه ئی - بنا بر علل سیاسی - از همگونسازی مطلق این نیرو ها خودداری می نمود، و شماری از اجنت ها ی؛ مثلاً دری زبانانش را به داخل تشکیلات پشتو زبانان و به عکس آن می فرستاد . ا علت قتل مسعود که توسط عوامل کی جی بی در قالب شورای نظار اتفاق افتاد را این قلم سمت و سوی مسعود به جانب غرب تلقی می نماید . قرار گفته یکی از آگاهان سیاسی مقیم امریکا " رئیس فعلی" ریاست عمومی

امنیت ملی افغانستان امر الله صالح لحظه ای بعد از قتل مسعود - که در همان جا حضور داشت - موضوع کشته شدن وی را تیلیفونی به امریکا اطلاع داد [] .

فردی به نام امید آزادی (که نامی است مستعار) در سایت "کابل پرس" در باره امرالله رئیس امنیت ملی دولت دست نشاندۀ امپریالیزم امریکا مطلبی نوشته که در برگیرنده نکات جالبی در مورد رئیس "راما" ی امریکائی می باشد . از همین سبب آن را نقلاً در ذیل جا داده توجه شما خوانندگان عزیز را بدان جلب می نمایم:

« کابل پرس | www.kabulpress.org »

رئیس امنیت ملی، دشمن آزادی بیان! ۱۶ جنوری ۲۰۰۸ ۵۹:۰۳ (نویسنده: امید آزادی)

من حرفی میزنم به خاطر خداست. خدا شاهد است. من از سالها با او [صالح] شناخت دارم. او شخصی است، کاملاً با یک اندیشهء سکولرستی. او به نماز، روزه و اموامرا [اوامرا] اسلامی کمتر پای بند است. او سالها در ارتباط با سی ای ای [CIA] کار کرده است. او انسان سطحی نگر و از سویه ریاست امنیت ملی یک کشور مثل افغانستان که از اهمیت زیادی بر خوردار است بسیار پایان است. او در مقابله با شخصیت هائی که در رأس امنیت در کشور های همسایه هستن [هستند] «ایران و پاکستان» به هیچ حساب نمی یابد. او تا صنف دوازده درس خوانده است و تنها به زبان انگلیسی وارد و خوب صحبت کرده میتواند. چهره مردمی ندارد و هر گاه احمدشاه مسعود او را میدید خنده ای معنا داری میکرد. از همان وقت من میدانستم که او از این انسان چیز های میداند. [شاید هم مسعود مترجمش را واداشته که با CIA همکاری نماید و خندهء معنی دارش برای قناعت دیگران بوده که گویا از پیوندش با CIA واقف می باشد؟! - ت] او سابقه یک روز کار اداری، نظامی و سیاسی قبل از تصدی این پست ندارد. امریکائی [ها] سخت به او معتقد هستند و به زبان تیز او فریب خورده اند. مثلی که به احمد چلبی در عراق فریب خوردند. او انسان روتینی و سر و سامان دهندهء ظاهری دفا تر و میز و چوکی به شیوه غربی هست و بس. پاکستانی ها از اینکه در رأس ادارهء امنیت [ملی] افغانستان یک انسان جوان، بی تجربه، کم تحصیل و غیر سابقهء نظامی در شرایط نظامی قرار گرفته است، سخت خوشحال هستند و با اینکه شخص او را بد می بینند از تقرر او راضی هستند و بسیار کار های مهم و اساسی خود را انجام دادند. از جمله احیای دو باره طالبان شکست خورده در دوران ریاست او. امریکائی ها میخواستند تحت بر نامهء شخصیت سازی از او یک انسان مشهور بسازند و به او دکتورای افتخاری از یکی از دانشگاه های امریکا دادند. او در اوایل در یک سطح بسیار پایان با امریکائی ها کار میکرد و بعد از رفتن با انجنیر عارف سروری رئیس امنیت در زندگی آمر مسعود به حیث ترجمان به امریکارتباط در سطوحی بالاتری را به خود ایجاد کرد و سروری را کنار زد و جای او را

گرفت. در هر صورت او کمتر از اینست که در رأس اداره امنیت ملی باشد. دو خصوصیت عمده او عبارت اند از: دشمنی و کینه بسیار عمیق با پاکستان. **دشمنی با پشتون های افغانستان**. دور کردن او از این پست در صلاحیت کسی نیست. نه پارلمان، نه کرزی، نه خلیل زاد و نه هیچ کسی دیگر او را بر طرف کرده نمیتواند. تا اینکه اداره مرکزی امنیت ملی امریکا سی آی آی این تصمیم را بگیرد. او از خود در ظاهر چهره ای کار آمدی برای غربی ها نشان داده است، حال اینکه از داخل چیزی نیست. من از نزدیک باتمام خصوصیت های فردی، فامیلی، سیاسی و فکری او آشنایی دارم و توان و ظرفیت او را هم در کارها با تمام معنا میدانم. خدا شاهد است این را از دلسوزی تمام به ملت و کشورم گفتم. تا توجه شود که شخص دیگری برای این ویران شده سراغ شود، حتی اگر برای منافع امریکائی هم باشد. آخر امریکا به قحط الرجال در میان دوستان خود از افغانستان مواجه نیست. با احترام و صداقت. «

حال بینیم نادر نادری سخنگوی "کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان" در زمینه چه نظر دارد:

« نادر نادری سخنگوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می گوید بیشترین موارد شکنجه در زندانهای مربوط به امنیت ملی دیده شده است. آقای نادری گفت: "در زندانهای افغانستان شکنجه وجود داشته و دارد، همین دیروز به یک مورد برخوردیم که یک زندانی با اینکه تحقیقاتش تکمیل شده بود و هیچ نیازی به بررسی مجدد نداشت اما شکنجه شده بود." سخنگوی کمیسیون حقوق بشر افغانستان افزود: "ما در بررسی زندانهای که تحت نظارت مستقیم امنیت ملی است مشکل داریم. ما به مواردی برخوردیم که افراد شکنجه شده اند، اما به دلیل عدم همکاری امنیت ملی ما نتوانسته ایم قضایا را به موقع و به صورت لازم بررسی کنیم. ما در ارتباط با زندانهای امنیت ملی و سوء رفتار و شکنجه در این زندانها نگرانیم." به گفته آقای نادری، هیچ نهادی هنوز نمی داند که تعداد چنین افراد در سراسر افغانستان به چند نفر می رسد. نادر نادری گفت: "همین اواخر بیش از ۲۴۰۰ نفر که مدت حبس شان به پایان رسیده بود، یا جز کسانی بودند که شامل عفو عمومی رئیس جمهور شده بودند و باید آزاد می شدند و یا هم کسانی که بدون تکمیل پرونده و اثبات جرم مدت طولانی زندانی بودند، شناسائی و رها شدند. هنوز معلوم نیست تعداد چنین افرادی در زندانهای ولایات به چند نفر می رسد؟" خیلی از محلاتی که افراد زندانی در آن نگهداری می شوند، به گفته آقای نادری فضای مناسبی نیست و اساسا برای زندان ساخته نشده است.»

ادامه دارد